



رو سادین بجانب پسر	تا که حسن جمال سما
قطره و در حرم نو و با دریا	ذره در دای نو تو شید
و این دیگر گفت را الا علی	آن یکی نوره انا الحق زو
سر روز عاشقان زبیر خدا	پس اول جنوی بی جبار
از روز ما با این من	خبر تو چندی دیگر نیستم
لذت وین عین	شب که تو خید
زبان او کو یا	خود نوی از
صلی علی محمد باه منیر صفا	صلی علی محمد باه منیر صفا
صلی علی محمد بن جو و در پسر	صلی علی محمد کاشف حیل از
صلی علی محمد موضع پسر در پسر	صلی علی محمد کاشف پرده از
صلی علی محمد زره محمد صفا	صلی علی محمد از سر صدق صفا
صلی علی محمد شمس و لایب بقا	صلی علی محمد به ممالک بقا
صلی علی محمد در سر خنده لحد	صلی علی محمد با دالیل اول

بمنوع کون فائق اشیا	ای خداوند قادر یکتا
غیر زینت خود تو صفا	در کون بر طبق تو موجود
شک و صفت تو شکر از صفا	مقتدرت تو کبر از صفا
بلای حیل تو زو و پسر بد	و در میان صورت تو صفا
عاشقان در جمال تو شیدا	عاشقان در حال تو سیر
زهرت زینت پسر صفا	زینت پسر از صفا
بنت کاشف پرده از صفا	تا که در صفا از صفا
و در حسن تو صفا	آورد در کون آوردی